

چارچوب تحلیلی بازخوانی اندیشه امام خمینی (ره) در شرایط کنونی

مقدمه

مروری مختصر بر فضای فکری- فرهنگی کشور، گویای این است که اندیشه‌های حکیمانه امام (رحمه الله علیه) که برخاسته از مکتب نورانی اسلام و مذهب متعالی تشیع است، گره گشای بسیاری از مشکلات و چالش‌هایی است که هم اینک فرد فرد مردم، گروه‌های اجتماعی و دولت و حاکمیت با آن دست به گریبان است؛ از این رو باید اندیشه‌های امام راحل را در همه ایام سال مرور و بازخوانی کرد. نکته مهم دیگر آنکه خطر فراموش شدن و یا تحریف اندیشه و شخصیت امام خمینی (ره) در اذهان عمومی جامعه و حتی در میان نهادها و ساختارهای رسمی حاکمیت، وجود دارد؛ و اگر نباشد بیانات رهبر معظم انقلاب که همواره مواضع خود را مستند به مکتب امام خمینی (ره) می‌کنند و در مواقع متعدد فرصت‌های بهره‌گیری از کلام امام (ره) و خطرات دوری از راه امام را تذکر می‌دهند، آسیب تحریف و فراموشی امام (ره) معضلاتی را در موضوع اداره کشور بوجود می‌آورد. بنابراین همه ما مسئولیم که در این زمینه نقش موثر خود را ایفاء نماییم. ایام رحلت حضرت امام (رحمه الله علیه) نباید تنها روزی باشد که به اندیشه‌ها و سلوک فردی و اجتماعی ایشان می‌پردازیم، بلکه ۱۴ خرداد باید اوج بهره‌گیری از سیره فکری و عملی آن پیر سفر کرده در مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد. در این متن کوشش شده است متناسب با شرایط و اقتضائات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور چارچوبی برای تحلیل و بازخوانی اندیشه امام (ره) با هدف زنده نگه داشتن یاد و نام معظم‌له، ارائه شود:

الف) ملاحظات تحلیلی - نظری اندیشه امام خمینی (ره) در شرایط کنونی

۱- با وجود ارجاع مکرر مقام معظم رهبری به مکتب امام خمینی (ره)، بسیار ضروری است که این رویه رهبر انقلاب به روشی عمومی در میان سخنرانان، رسانه‌ها و نویسندگان انقلابی قرار گیرد، چرا که امروزه آنچه در حوزه عمومی کارساز است و افکار را شکل می‌دهد، فقط تحقیقات و مطالعات دانشگاهی نیست، بلکه رسانه‌ها و وسایل ارتباطی جدید نیز هستند.

۲- به گواه بسیاری از کارشناسان مطلع و کسانی که با اندیشه‌ها و سیره عملی حضرت امام (رحمه الله علیه) آشنا هستند، رهبر معظم انقلاب در حوزه رهبری نظام و اداره حکومت و جامعه همان راه و سیره امام (ره) را دنبال می‌کنند و به عبارتی تالی‌تو حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) هستند، از این جهت ضروری است که اندیشه‌ها و رهنمودهای امام حاضر، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حل مسائل کشور و در جهت کمک به مسیر حرکت پیشرفت مورد توجه جدی قرار

گیرد. در اینجا تاکید بر آن است که تبعیت از رهنمودهای رهبری به مثابه تبعیت از امام(ره) است و هیچ تفاوتی از لحاظ گفتمانی و فکری بین ایشان وجود ندارد.

۳- یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدظله العالی)، برداشت‌های ناروا و منحرفانه از مکتب امام خمینی(ره) است. اما تفسیر نیازمند شاخص‌هایی است که بیانات ایشان در بیست و یکمین سالروز رحلت امام راحل^۱ و همچنین سخنرانی پانزدهمین سالگرد رحلت امام(ره) به مبانی و شاخص‌های مکتب سیاسی امام خمینی(ره) می‌پردازد و ضرورت دارد جهت تفسیر مکتب امام(ره) به این بیانات مراجعه کرد. رهبر معظم انقلاب در آن سخنرانی‌ها و به مناسبت ارتحال معمار کبیر انقلاب اسلامی، مطالبی مهم را درباره اصول و مبانی مکتب امام(ره) و موضوع خطر تحریف امام(ره) بیان داشتند. در این ایام نیز مناسب است اصول و مبانی فکری امام راحل تبیین و تشریح شود. چرا که با این کار امام(ره) واقعی معرفی می‌شود و نقشه تحریف کنندگان امام(ره) که با مقاصد خاص صورت می‌گیرد، نقش بر آب می‌شود. در اینجا مهم‌ترین اصول اندیشه امام خمینی(ره) از منظر رهبر معظم انقلاب اشاره می‌شود:

مسئله‌ی تحریف شخصیت امام(ره) خطر بزرگی محسوب می‌شود، آن راهی که می‌تواند مانع از این تحریف شود، بازخوانی اصول امام(ره) است. امام(ره) را نباید به عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی، مورد توجه قرار داد، بعضی این جور می‌خواهند امام(ره) را بشناسند و بشناسانند و این غلط است. ۱۴/۰۳/۱۳۹۴

مهم‌ترین اصول اندیشه امام خمینی رحمه‌الله

اسلام ناب از نظر امام(ره) بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جا افتاده و تکمیل شده در حوزه‌های علمیه استنباط می‌شود و به دست می‌آید.	اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی	۱
اعتماد به قدرت پروردگار موجب می‌شد که امام(ره) بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد، چون اتکاء به خدا داشت. نه اینکه نمی‌دانست قدرت‌ها بدشان می‌آید و عصبانی می‌شوند، می‌دانست؛ اما به قدرت الهی و نصرت الهی باور داشت.	اعتماد به وعده‌ی الهی و بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی	۲
در آن روزها، سعی می‌شد به خاطر یک برداشت نادرست، همه‌ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول شود، امام(ره) بارها و بارها هشدار می‌داد، در مسائل اقتصادی، نظامی، سازندگی کشور، تبلیغات و بالاتر از همه انتخابات کشور به مردم اعتماد داشت.	اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی	۳
همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند، تا آن جایی که در توان کشور است به محرومان کمک کنند، امام(ره) مکرر می‌گفت؛ این کوخ‌نشینان و فقرا و محرومان اند که این صحنه‌ها را پر کردند، با وجود محرومیت‌ها اعتراض هم نمی‌کنند، در میدان‌های خطر هم حاضر می‌شوند.	حمایت از محرومان و مستضعفان و مخالفت با خوی کاخ‌نشینی	۴

۱- ۱۳۸۹/۳/۱۴

۲- ۱۳۸۳/۳/۱۴

۵	مخالفت صریح با جبهه‌ی قدران بین‌المللی و مستکبران	امام(ره) با مستکبرین سرآشتی نداشت، واژه «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام(ره) بود، وقتی شما یک دستگاهی راه، شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار و احساسات شما، در مقابل او چگونه باشد، امام(ره) تا روز آخر نسبت به آمریکا، همین احساس را داشت، عنوان «شیطان بزرگ» را هم به کار می‌برد.
۶	اعتقاد به استقلال ملی و رد سلطه‌پذیری	استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت. اینی که بعضی در زبان یا در شعار، دنبال آزادی‌های فردی باشند، اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است.
۷	تکیه بر وحدت ملی	توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن، چه تفرقه بر اساس مذهب شیعه و سنی، چه تفرقه بر اساس قومیت‌ها [از خطوط اصلی امام(ره) بود]، تفرقه‌افکنی یکی از سیاست‌های قطعی دشمن بود و امام(ره) بزرگوار ما بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت یک تکیه کم‌نظیر داشت.
اگر راه امام(ره) را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.		

۴- مطرح‌سازی اندیشه آموزه‌های مکتب امام راحل در عرصه عمومی و میان افکار عمومی جامعه، بیشتر می‌تواند سبب راه‌یابی این اندیشه‌ها به سازوکارهای حکومت و نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر شود، چرا که یک حرکت عمومی از قاعده هرم سیاسی به بالا است و ضمن افزایش پیوند ملت- دولت، نسلی را بر این اساس تربیت می‌کند و طبیعتاً سازوکارهای حکومت را به صورت مستدام تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اینجا تأکید بر آن است که از نظر راهبردی، جمهوری اسلامی به نسلی نیاز دارد که در همه سطوح آشنا با روش و منش امام(ره) باشند، در این بین گسترش اندیشه و مکتب امام(ره) در بین عموم جامعه و نیروها و گروه‌های اجتماعی جامعه باعث تسری این فرهنگ به همه لایه‌های اجتماعی کشور اعم از مسئولین و مردم عادی خواهد شد. البته به طریق اولی آشنایی با راه امام(ره) و بکار بستن رهنمودهای امام(ره) برای مسئولان و کارگزاران نظام حائز اهمیت و تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است.

۵- اولویت دادن به ابعادی از مکتب امام خمینی(ره) با توجه به مقتضیات روز از آن جهت که برخی از موضوعات در شرایط کنونی کشور اهمیت و ارجحیت پیدا کرده است، در واقع چاره‌جویی جهت حل مسائل پیش‌رو مبتنی بر اندیشه متعالی ایشان است، بر این اساس در شرایط کنونی تبلیغ و ترویج استکبارستیزی حضرت امام(ره) و شجاعت ایشان در مقابل مستکبرین، توکل و اعتماد به نفس الهی ایشان و همچنین تأکیدات معظم‌له بر خودباوری و تکیه به درون در کنار جذب حداکثری و دفع حداقلی در رویکرد ایشان، موضوعات مهمی هستند که باید مورد تفصیل و تبیین قرار بگیرد.

ب) ملاحظات تحلیلی - کاربردی اندیشه امام خمینی(ره) در شرایط کنونی

یکی از مهم‌ترین اقدامات برای زنده نگه داشتن اندیشه امام خمینی(ره)، پیدا کردن پاسخ‌های ایشان به مسائل و مشکلات روز است و با غور و بررسی در مکتب امام خمینی(ره)، می‌توان به این پاسخ‌ها پی برد. نکته مهم این است که برخی از

موضوعات و رویدادهایی که در شرایط کنونی اتفاق می افتد از حیث زمینه ها، موضوع و پیامدها می تواند با برخی از رخدادهایی که در زمان امام (رحمه الله علیه) شباهت هایی داشته باشد، لذا برخورد و مواجهه امام (ره) با آن رخدادها می تواند برای امروز ما راهنما و کارساز باشد:

۱- امام و حفظ انقلاب و نظام

حفظ انقلاب و نظام اسلامی در مواضع کلامی و رفتار سیاسی حضرت امام فوق العاده برجسته است؛ براین اساس ایشان حفظ نظام را از اوجب واجبات می دانستند و از دیدگاه ایشان حفظ نظام واجب و اختلال امور مسلمانان مبعوض شارع است و حفظ نظام متوقف بر تشکیل حکومت است. امام در رفتار سیاسی خود نیز نشان دادند که حفظ انقلاب بر همه ملاحظات دیگر ارجحیت دارد. در قضیه عزل قائم مقام رهبری نیز با اینکه این اقدام برای امام بسیار سخت و سنگین می آمد اما ایشان خطاب به قائم مقام رهبری فرمودند از آنجا که شما این کشور و انقلاب اسلامی مردم مسلمان را پس از من به دست لیبرال ها و از کانال آنها به منافقین می سپارید صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده اید. ایشان در خصوص حفظ انقلاب کمترین مسامحه را حتی از نزدیک ترین افراد منسوب به خود نیز نمی پذیرفتند؛ آن بزرگوار در یکی از سخنرانیهای خود می فرمایند: «مسأله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می شود و با این نشانه گیری هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می شود از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی کند و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۳، سخنرانی ۲۲/۱۱/۶۳). امام بزرگوار (ره) حفظ ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام را برای حفظ مکتب اسلام ضروری می دانستند در این رابطه ایشان فرمودند «اگر این جمهوری اسلامی از بین برود اسلام آنچنان منزوی خواهد شد که تا آخر ابد، مگر در زمان حضور حضرت، نتواند سرش را بلند کند» (امام خمینی، ج ۱۶، صص ۶۱-۶۲) و به همین دلیل بود که ایشان حفظ نظام را از اوجب واجبات می دانستند چراکه در صورت حفظ نظام فرصت لازم برای ادای واجبات و معرفی اسلام ناب به جهان فراهم بود اما در صورت فقدان نظام، بطور طبیعی زمینه نابودی کامل یا استحاله قطعی مکتب اسلام فراهم می گردید.

۲- امام و موضوع ولایت فقیه

تئوری حکومت اسلامی و ولایت فقیه دال مرکزی گفتمان و مکتب سیاسی حضرت امام رحمه الله علیه قلمداد می شود. از این جهت این موضوع هم از جهت نظری و از حیث عملی و تحقق آن در عرصه نظام سازی بسیار مورد توجه ایشان قرار گرفته است؛ همچنین بدون در نظر گرفتن موضوع ولایت فقیه نمی توان اندیشه و مکتب سیاسی امام را تبیین و تفسیر کرد. معمار بزرگ انقلاب اسلامی، با درک دقیق و عمیق از شرایط حساس داخلی و خارجی، از ابتدای نهضت اسلامی تا پایان حیات پر برکتشان، تمام اقشار کشور را تقویت جایگاه ولایت فقیه توصیه نمودند و آنرا رمز پیروزی بر دشمنان و خنثی کننده توطئه های آنها برشمردند. تقویت جایگاه ولایت فقیه را می توان یکی از مهم ترین اصول نظام اسلامی دانست که در کلام بزرگان انقلاب اسلامی و در راس آنها بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) جلوه گر شده است. در این زمینه امام می فرمایند «شما موافقت کنید با این ولایت فقیه. ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای

تبارک و تعالی داده است.... این ولایت فقیه هست، ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است». (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۰۵ الی ۴۰۷)

همچنین امام درباره اهمیت این موضوع در نظام سیاسی اسلام و ضرورت تحقق آن می فرماید: قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست. و این ها از ولایت رسول الله هم می ترسند! شما بدانید که اگر امام زمان- سلام الله علیه- حالا بیاید، باز این قلم ها مخالف اند با او. و آنها هم بدانند که قلم های آنها نمی تواند مسیر ملت ما را منحرف کند. آنها باید بفهمند این که ملت ما بیدار شده است، و مسائلی که شما طرح می کنید ملت می فهمد، متوجه می شود، دست و پا نزنید! خودتان را به ملت ملحق کنید. بیاید در آغوش ملت. ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود. نظارت کند بر مجلس، بر رئیس جمهور، که نبادا یک پای خطایی بردارد. نظارت کند بر نخست وزیر که نبادا یک کار خطایی بکند. نظارت کند بر همه دستگاه ها، بر ارتش، که نبادا یک کار خلافی بکند.... چرا این قدر به دست و پا افتاده اید و همه تان خودتان را پریشان می کنید بی خود؟ هر چه هم پریشان بشوید و هر چه هم بنویسید، کاری از شما نمی آید. من صلاحتان را می بینم که دست بردارید از این حرف ها و از این توطئه ها و از این غلط کاری ها! برگردید به دامن همین ملت. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۶)

با عنایت به بیانات حضرت امام و جایگاه ولایت فقیه در مکتب سیاسی ایشان، لازم است در شرایط کنونی که از سوی دشمنان و معاندین حمله ها و هجمه ها به سمت ولایت و رهبری نظام اسلامی نشانه رفته است، این موضوع راهبردی با توجه به استنادات نقلی و استدلال های عقلی تبیین گردد.

۳- امام و موضوع اعتماد به قدرت های استکباری در سیاست خارجی

یکی از موضوعات اساسی و بنیادین که در وضعیت کنونی کشور و نظام با آن مواجه است، مسئله برجام و اعتماد به آمریکایی هاست. در این زمینه لازم است اصول و مبانی رفتاری امام در حوزه سیاست و روابط خارجی تشریح و تحلیل گردد. ۱- عدم اتکا به قدرتهای جهانی که در سیاست نه شرقی و نه غربی امام تجلی نموده است؛ ۲- نفی سلطه پذیری و سلطه گری؛ و ۳- حفظ کیان و تمامیت ارضی کشور و رعایت مصالح بلند مدت نظام، عناصر اصلی گفتمان و رویکردهای عملی امام راحل در حوزه سیاست خارجی است. این مبانی و جهت گیری کاملاً منطبق بر فضای حاکم بر روابط بین المللی است، فضایی که بر اساس رئالیسم و قدرت محوری شکل گرفته است. لذا در این در ارتباط با قدرت های بزرگ باید کاملاً غیرقابل اعتماد و با قاطعیت ظاهر شد. رابطه با آمریکا نیز همواره موضوع مورد بحث سیاست خارجی ایران بوده و هست. حضرت امام خمینی (ره) آمریکا را شیطان بزرگ دانسته و معتقد بودند تا زمانی که آمریکا آدم نشود یعنی روشهای غلط و سلطه جویانه خود در برخورد با دیگران و با جمهوری اسلامی ایران تصحیح کند نمی توان با این کشور رابطه برقرار کرد.

۴- امام و مسئله اول دنیای اسلام: فلسطین

یکی از مسائلی که این روزها دنیای اسلام را رنج می دهد و به فرمایش رهبر معظم انقلاب به محنت بزرگی تبدیل شده

است، مسئله فلسطین است. یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی شعار معروف « امروز ایران، فردا فلسطین » بود و این شعار ریشه در تعالیم حضرت امام خمینی (ره) از سالها قبل از پیروزی انقلاب داشت. اوج این مبارزه سیاسی را میتوان در تعیین روز جهانی قدس مشاهده کرد این تصمیم مدبرانه و شجاعانه مسئله حمایت از مردم فلسطین را نهادینه کرد و سطح مبارزه با اسرائیل را به سراسر جهان منتقل نمود. حضرت امام متعهد بودند که مسئله جدی بودن سیاست توسعه طلبانه اسرائیل نسبت به سرزمینهای عربی و اسلامی را مکرراً یادآوری کرده و هدف غائی رژیم صهیونیستی مبنی بر سیاست از نیل تا فرات را به کشورهای مسلمان هشدار دهند. تعبیر دقیق حضرت امام که اسرائیل را غده سرطانی منطقه دانستند و تکرار این مطلب که تنها با فداکاری و پایداری و اتحاد دولت های اسلامی می توان این غده چرکین را از بین برد از فرازهای برجسته دیدگاههای امام راحل تلقی می گردد و وقوع انتفاضه و آغاز حرکت های شهادت طلبانه جوانان فلسطینی بر علیه اسرائیل ریشه در تعلیمات و دیدگاههای حضرت امام خمینی دارد. ضرورت همبستگی دولت های اسلامی برای مبارزه علیه اسرائیل و صهیونیسم یکی از مبانی اصلی سیاست خارجی امام خمینی (ره) می باشد.

۵- امام و نسخه پیشرفت در اقتصاد

امام خمینی در موضوع اقتصاد به استفاده از ظرفیت های درونی باور داشتند و بر این اعتقاد بودند که درونگرایی سازنده که منجر به خودکفایی و بی نیازی به کشورهای چپاولگر می شود، امری مستحسن و نیکو به شمار می آید. ایستادن مملکت اسلامی روی پای خود برای برآورده ساختن نیازهایش (امام خمینی، ج ۱۳، صص ۱۴۰-۱۴۹)، موجب کوتاه کردن دست جهانخواران از ذخایر کشور اسلامی، رهایی از سلطه بیگانگان و ارتقای حیثیت و آبروی کشور اسلامی نزد جهانیان می شود. (امام خمینی، ج ۱۶، صص ۷۴-۸۰) استفاده از امکانات خدادادی و دیگر برکات الهی، موجب تقویت منابع داخلی و به فعلیت رساندن ذخایر بالقوه و قابلیت بهره برداری آنها می شود. این مهم، علاوه بر آنکه موجب ترقی، پیشرفت و شکوفایی منابع زیر زمینی داخلی می گردد، وجهه کشور اسلامی را با خضوع نکردن در مقابل تهدیدها و نهراسیدن از محاصره اقتصادی استعمارگران چپاولگر، ارتقا می بخشد. (امام خمینی، ج ۱۱، صص ۲۲۱-۲۲۲) لذا خودگردانی و خودبسندگی از آن لحاظ که کشور اسلامی را به پویا کردن سیاست های زراعی و صنعتی داخلی وادار می سازد، امری مطلوب و سازنده تلقی می شود. (امام خمینی، ج ۱۲، صص ۱۱۶-۱۲۰) «امروز متفکران ملت بزرگ ما در اثر محاصره اقتصادی، مغزهای خود را به کار انداخته اند و نقصان های موجود را به طور چشمگیری رفع و زیان های ناشی از محاصره را با کوشش شبانه روزی خود به مقدار زیاد جبران نمودند.» (امام خمینی، ج ۱۴، صص ۱۵۵-۱۵۸)

۶- امام ؛ هویت و فرهنگ

فرهنگ و ارزش های دینی همه آن آرمانی است که حضرت امام (ره) بخاطر آن نهضت خود را آغاز کردند؛ از این جهت طبیعی است که ایشان نسبت به فرهنگ دغدغه بنیادین و مستمر داشته باشند؛ تحلیل محتوای بیانات و مکتوبات امام نیز نشان می دهد که از نظر ایشان ریشه عقب ماندگی های اقتصادی و اجتماعی در خودباختگی فرهنگی نهفته است. امام خمینی (ره) فرهنگ را اساس هویت و موجودیت جامعه می دانست که وابستگی در آن باعث وابستگی فکری شده که بالاترین وابستگی است. (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۵۶). ایشان می فرماید: بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه

دخالته اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی، و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است. هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است. اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً غربی‌ها و اخیراً آمریکا و شوروی قرار گرفت و زبان‌ها و قلم‌های غرب‌زدگان و شرق‌زدگان آگاهانه یا ناآگاهانه و اساتید غرب‌زده و شرق‌زده دانشگاه‌ها در طول مدت تأسیس دانشگاه‌ها و خصوصاً دهه‌های اخیر این خدمت بزرگ را برای غرب و شرق انجام دادند، هر چند در بین ارباب قلم و زبان و اساتید، اشخاص متعهد و موجهی بودند و هستند که برخلاف آن مسیر بودند و می‌باشند؛ لکن مع‌الأسف در اقلیت چشمگیر بودند. (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰)

امام به هنر جهت دار و همراه با تعهد معتقد بودند که انسان را به سوی کمال جویی و تعهد گرایی سوق دهد. ایشان جایگاه هنر و وظیفه هنرمند را در مسائل سیاسی و اجتماعی تبیین کرده و در ضمن پیام تجلیل از هنر و هنرمندان می‌فرماید: هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان به حیات جاویدان رسیده‌اند و هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع مقدس‌مان این گونه بودند تا به ملاء اعلا شتافتند و برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند و در راه پیروزی اسلام عزیز تمام مدعیان هنر بی‌درد را رسوا نمودند. خدایشان در جوار رحمت خویش محشورشان گرداند. (مجله پاسدار اسلام، شماره ۸۳، ص ۴۷)

از این رو اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که در شرایط کنونی نیز همین نگاه‌ها و رویکردهای فرهنگی نه تنها مبانی دینی و هویتی مردم ایران را مورد خدشه قرار می‌دهد بلکه این وضعیت آثار خود را در عرصه‌های اقتصادی و گره‌گشایی از مسائل معیشتی مردم نیز نشان می‌دهد. تفکری که هم‌اکنون در بخش حاکمیتی حضور دارد و معتقد است برای حل مسائل اقتصاد کشور به مثابه ورزش، از خارج مدیر وارد کشور نماییم، ناشی از خودکمتر بینی و خودباختگی است و البته به توانمندی‌های درونی هم باور ندارد.

۷- امام و موضوع استقلال سیاسی

می‌توان گفت استقلال سیاسی رکن رکن استقلال در همه ابعاد آن می‌باشد به گونه‌ای که استقلال اقتصادی یا فرهنگی نیز بدون استقلال سیاسی امری امکان‌ناپذیر می‌باشد و اساساً یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ره، به دست آوردن استقلال بود به گونه‌ای که استقلال سیاسی یکی از شاه‌بیت‌های فرمایشات حضرت امام خمینی ره در پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید چنانکه ایشان در این زمینه می‌فرمودند: «ما خواهان استقلال هستیم و روابط

خود را با جهان غرب بر این اساس پی ریزی می‌نماییم. ما می‌خواهیم ملت ایران غریزده نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام بردارد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۶۰)

۸- امام و مسئله آزادی

آزادی از مقولاتی است که در دوران کنونی بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. درباره آزادی و حدود و ثغور آن در جامعه امروزی، اختلاف نظرهای گوناگونی وجود دارد. در اینکه برخی در صددند به صورت آشکار آزادی را به معنا و برداشت غربی در جامعه تئوریزه کنند تردیدی نیست و فعلاً روی سخن با آنان نیست؛ بلکه سخن با کسانی است که دریافت ها و برداشت ها خود را از آزادی به نام امام در فضای عمومی کشور تبلیغ می‌نمایند؛ حال در این فرصت کوتاه آزادی را از نگاه امام بررسی می‌کنیم. از منظر امام خمینی، آزادی از مفاهیم بدیهی است که نیاز به تعریف ندارد. امام در این باره می‌فرماید: «آزادی یک مسئله ای نیست که تعریف داشته باشد، مردم عقیده شان آزاد است، کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی به شما الزام نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی، کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی، یا در آن جا چه شغلی را انتخاب کنی، آزادی یک چیز واضحی است» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۹۵-۹۴). از منظر امام خمینی آزادی در حدود اسلام و قوانین اسلامی است و هیچ کس نمی‌تواند به اسم آزادی از قانون تخلف کند. (همان) امام خمینی دربارهٔ محدودۀ آزادی در نظام ولایت فقیه می‌فرماید: «در هر مملکتی آزادی در حدود قانون است، در حدود قوانین آن مملکت است، مردم آزاد نیستند که قانون را بشکنند، معنای آزادی این نیست که هر کس بر خلاف قوانین، برخلاف قانون اساسی یک ملت، برخلاف قوانین ملت، هر چه دلخواهش می‌خواهد، بگوید آزادی در حدود قوانین یک مملکت است، مملکت ایران مملکت اسلامی است و قوانین ایران، قوانین اسلام است.» (همان)